

باورهای عامیانه ترکمنان (بخش ششم)

باورهای مرتبط با جانوران

قسمت دوم

■ ترجمه و تألیف: آنادردی کریمی

نویسنده، مترجم و پژوهشگر

فرهنگ و ادبیات ترکمن



■ مقدمه

در شماره قبل فصلنامه میرداماد (شماره سی‌ام) بخش نخست باورهای قوم ترکمن در ارتباط با جانوران، با «آب‌دزدک» شروع شده و به باورهای مربوط به «پرستو» خاتمه یافت. در این شماره ادامه مقاله با باورهای مربوط به «جغد» آغاز و به باورهای مربوط به «زنبور» خاتمه یافته است.

■ جغد

در باره جغد برخی از باورهای اسطوره‌ای در میان ترکمن‌ها وجود دارد. طبق برخی از این باورها، جغد در اصل یک انسان بوده است. در این ارتباط چند مورد را مطرح می‌کنیم. نام واقعی این شخص «بایاوغلو» به معنای پسر ثروتمند است، که در کودکی مورد توجه والدینش بوده، پدر و مادرش برای تعلیم و تربیت او تلاش فراوانی می‌کردند و به او نصایح ارزشمندی می‌دادند. بایاوغلو با دختری، ساکن و بزرگ شده‌ی صحرای اورگنچ، ازدواج می‌کند. پسر قسم یاد می‌کند که به کس دیگری دل نبندد. اما او با اعتماد به ثروت خود و بدون توجه به پند و اندرزهای والدینش، برای بار دوم ازدواج می‌کند. همسر اول که افسونگر بود، از نزد او می‌رود و پسر را نفرین می‌کند که «شکل و شمایل انسانی تو تغییر یابد». با نفرین آن زن، بایاوغلو تبدیل به جغد می‌شود. بعد از این واقعه، به جای بایاوغلو، به او بایغوش [جغد] می‌گویند.

در روایت دوم می‌خوانیم که پسری به نام بایاوغلو در خانواده‌ای ثروتمند بزرگ می‌شود. پدر و مادرش به او توجه داشتند و همیشه به او توصیه می‌کردند که باید قدر وطن را بداند و به مردم وفادار باشد. اما پسر این توصیه‌ها را فراموش می‌کند. هر وقت که دشمن به روستا حمله می‌کرد، به جای مقابله با دشمن، برای نجات خود، برنامه‌ریزی می‌کرد. پدرش در جنگ با دشمنان کشته و روستا هم تبدیل به خرابه می‌شود. مادر که از نامردی فرزند بی‌وفایش شرمنده است، در آخرین نفس‌های زندگیش، پسر خود را

این گونه نفرین می‌کند: «خانه‌ات خراب باشد. خداوند آن چه را که تو مستحق آن هستی، به تو بدهد». با نفرین مادر، پسر تبدیل به جغد می‌شود. از آن زمان به بعد جغد در خرابه اقامت می‌کند. انسان‌ها هم این پرنده را نشانه بدبختی و فلاکت می‌دانند. وقتی این پرنده در اطراف خانه‌شان می‌نشیند، او را می‌زنند.

در باوری دیگر، فردی که بای او غلان نام داشته است، به هنگام حمله راهزنان، ناتوان و هراسان بوده و پا به فرار می‌گذاشته است. او یک بار خوابی می‌بیند. عارفی در خواب به او می‌گوید: «من پیشنهادی دارم. اگر پیشنهاد من را بپذیری دیگر مجبور نیستی، همیشه در بیم و در حال فرار باشی». بای او غلان می‌پرسد: «چه پیشنهادی؟» عارف می‌گوید: «تو را به پرنده‌ای تبدیل می‌کنم که به آذوقه و مسکن نیاز نداشته و ترسی هم از راهزنان نداشته باشی. البته در این صورت عمرت یکسال و مسکنت خرابه‌ها خواهد بود. رزق و روزی تو هم همیشه مهیا خواهد بود». بر طبق این باور، بای او غلان، به پرنده زیبایی با نام بایغوش - برگرفته از نامش - تبدیل می‌شود.

در روایتی دیگر، جغد در ابتدا یک زن عاقل بوده است، که از شر شیطان به پرنده تبدیل شده است. در باور گروهی از ترکمنان نیز برخی از جغدها در ابتدا شاهزاده جوانی بوده‌اند، که به واسطه جادو مسخ شده و تبدیل به جغد شده‌اند. آنان به استناد همین باور، جغد را «شاه‌قوش» می‌نامند.

در باور مردم ایران نیز «جغد در اصل پیرزنی بوده که مسخ شده و به این صورت درآمد است». همان‌طور که برخی از مردم ایران، جغد را پرنده خوشیمن نمی‌دانند؛ عده‌ای از ترکمنان نیز بر این باورند، «اگر جغد بر بام خانه‌ای ساکن شود و یا کنار خانه روی درخت نشسته باشد»، می‌گویند خوش‌یمن نیست و آن را دور می‌کنند. در نزد قزاق‌ها و ترکمن‌ها، جغد به عنوان پرنده‌ای بدیمن پذیرفته شده است، که مرگ را فرامی‌خواند و اگر جغد «در تنور خانه‌ای لانه کند، برای آن خانه بدیمن است» و جغد در باورهای ترکمن‌های سالور هم مثل دیگر طوایف و اقوام، به عنوان پرنده‌ای شوم و بدشگون محسوب می‌گردد و دلیل آن این است که مسکن و لانه این پرنده عموماً در بین خرابه‌ها و ویرانه‌ها می‌باشد. از نظر سالورها، در بعضی از مواقع که این پرنده در محل آبادی‌ها و محلات مسکونی و بالای دیوار و منازل افراد نشسته و از خود صدایی در می‌آورد؛ آن را به عنوان خرابه‌دوست و ضدآبادانی برشمرده و بر این باورند که این پرنده حامل خبری بد است و احتمال دارد که اتفاق ناگواری برای آنان بیفتد.

برخی از ترکمنان، این پرنده را نفرین می‌کنند. «به نقل از پدربزرگ مرحومم روایت است که در اصل به بایغوش [جغد] بای‌خاتون می‌گفتند. روزی بای‌خاتون بالای خانه پیرزنی می‌نشیند و آواز می‌خواند. از قضا اتفاق ناگواری برای پیرزن پیش می‌آید. پیرزن که از سر و صدای بای‌خاتون عصبانی شده بود، بای‌خاتون را عامل و مسبب این اتفاق دانسته، آن را لعن و نفرین کرده و می‌گوید: «تو بای‌خاتون نیستی، بلکه فقط یک بایغوش [جغد] هستی» و جغد را از بالای خانه خود دور می‌کند.

عده‌ای دیگر از ترکمنان هم صدای جغد را نمی‌پسندند؛ چنان‌که «اگر جغد بالای خانه کسی سر و صدا کند، صاحب‌خانه و یا اطرافیان او می‌میرند» و هم‌چنین «اگر جغد صدا کند، شر می‌آورد» و عده‌ای از

نُخُورلی‌ها معتقدند «وقتی که جغد می‌آید و در جایی سرو صدا می‌کند، یک اتفاق ناگوار پیش می‌آید» و به بیان دیگر «اگر صدای جغدی از بالای خانه‌ای شنیده شود، آن را نمی‌پسندند». صدای جغد برای بعضی‌ها بدیمن است. صدا کردن و نشستن جغد بر روی خانه باعث میشود، یک اتفاق بدی بیفتد، یا به عبارتی دیگر، باعث آوار مشکلات زندگی روی سر آدم میشود. ترکمنان ساکن افغانستان هم معتقدند «اگر بالای خانه‌ای یک جغد صدا کند، ساکنان آن خانه به محل دوری کوچ خواهند کرد».

علاوه بر باورهایی که در مورد نشستن جغد روی دیوار یا بام یا درخت خانه و آواز خواندن او ذکر شد، در مورد پرواز جغد نیز باورهایی وجود دارد.

اگر جغد از روی سرت پرواز کند و رد شود، به خوبی تعبیر نمی‌شود و در باوری شبیه به این، اگر جغد از روی سرت پرواز کند و رد بشود، برای شخص مشکل جسمانی پیش آمده و آن فرد عقیم می‌شود. در برخی از باورهای عامیانه، برخی از حیوانات، اعمالی را انجام می‌دهند، که هر نوع عمل، نتایج خاص خود را دربر دارد. «در فرهنگ مردم ایزدخواست، اگر جغد روی دیوار منزلی بنشیند و چهچهه بزند و بخندد، خوب است و اگر کوکو کند، بد و نشانه غم است. برخلاف این روایت، در فرهنگ مردم تهران، اگر جغد گریه کند، خوش‌یمن، و اگر بخندد، بدیمن است.

در نزد عده‌ای از ترکمنان هم «اگر جغد در نزدیکی خانه قوق‌قوق کند، خبر خوبی به اهالی خانه میرسد و اگر صدای دیگری در بیاورد، خبر بدی به اهالی خانه میرسد»؛ به تعبیر دیگر، اگر جغد در نزدیکی خانه و یا بالای بام و دیوار قوق‌قوق کند، خبر بد محسوب نمیشود؛ ولی اگر صدای دیگری از او درآید که حالت خنده‌گونه باشد، آن را بدشگون می‌شمارند.

البته همه ترکمنان درباره جغد نظر کاملاً منفی ندارند. در این ارتباط موارد زیر را می‌آوریم:

اگر جغد بالای خانه‌ای بنشیند و از خود صدا در بیاورد، نشانه خبر خوش است.

اگر جغد روی بام خانه بنشیند و صدای خنده‌گونه‌ی آن بلند نشود، صاحب آن خانه ثروتمند خواهد شد.

برخی از طوایف ترکمنان تکه، بر این باورند که جغد سبب ثروتمندی می‌شود. وقتی که جغد صدا کند، نشانه آن است که برای تو رزق و روزی می‌آید.

خوجه‌ها نیز معتقدند که جغد ثروت می‌آورد.

اگر جغد بالای خانه کسی بنشیند و صدا درآورد، نشان از این دارد که پولی به دست صاحب آن خانه می‌رسد.

اگر جغد روی بام خانه‌ای بنشیند و آواز سردهد، می‌گویند فلانی به خاطر باغوش ثروتمند می‌شود.

برخی با دیدن جغد به سوی او سنگ پرتاب می‌کنند تا از آن محل برود. اما در مقابل، گروهی دیگر این روش را درست نمی‌دانند و معتقدند که «اگر جغد در بالای ساختمان صدا کند، نباید به طرف او کلوخ انداخت. چون این کار برای خانه بدبختی و نکبت می‌آورد». در واقع این گروه معتقد به خشنونت با جغد نیستند و «برای تحبیب و جلب عطوفت» این پرنده می‌کوشند، تا این پرنده با خشنودی از نزد آنان برود.

با آن که سالورها جغد را خرابه دوست و بدیمن و بدشگون می‌دانند، معتقد به برخورد خشن با آن نیستند؛ چنان که اگر جغدی بیاید و روی خانه‌ای یا جایی نزدیک خانه بنشیند و صدا کند، با دید مثبت می‌اندیشند و هر چیزی را بر مبنای خیر و نیکی فرض می‌کنند. بنابراین از جغد می‌خواهند: «ای جغد به چیزهای خوب دعوت کن و آواز تو به سوی نیکی و خوشی باشد و دعوت تو شوم نباشد. برای ما آرزوی خوب کن». از خداوند می‌خواهند که اگر نیت جغد شوم باشد، برآورده نشود و به خوبی و خوشی پایان یابد و بدیمنی او به خوش‌یمنی و اتفاقات خوش منجر گردد.

گروهی از نُخُورلی‌ها، در چنین حالتی، برای راندن جغد، به سوی آن سنگ پرتاب نمی‌کردند، بلکه به سوی جغد حبه قند می‌انداختند، تا این پرنده با خوشی و رضایت جدا شود و مرگ و یا اتفاق ناگوار پیش نیاید. عده‌ای از ترکمنان تکه نیز وقتی جغد می‌آید، سه تا قند به طرف او می‌اندازند. آنان بر این باورند که خبر خوشی را برای تو آورده است و نباید با دست خالی برگردد. باید دهانش شیرین شود. البته از آن قند دیگر استفاده نمی‌کنند.

اگر جغد در بالای ساختمان صدا کند ... باید قرص نان کامل را از خانه بیرون بیاوریم و به او نشان بدهیم و آن نان را باید در راه خدا خیرات کنیم.

عده‌ای دیگر از ترکمنان بر این باورند که اگر جغد صدا کند، باید چنین بگویی و تقاضا کنی: «ای بانوی ثروتمند، ای بانوی ثروتمند، ای بانو از ثروت خود [به ما هم] بده» و اگر چنین نگویی، جغد «شر می‌آورد». برخی از ترکمنان، جغد (بایغوش) را پرنده ثروتمند می‌دانند. آنان بر طبق ضرب‌المثل «بایغوشونگ ائرسغالی آغزئندا» یعنی «رزق و روزی و معیشت این پرنده در دهانش می‌باشد»، این پرنده را ثروتمند می‌دانند. به بیان دیگر، رزق و روزی جغد، خزندگان و پرندگان کوچک، می‌باشد که به خواست خود در جلوی جغد حاضر می‌شوند. به باور نُخُورلی‌ها هم روزی «بایغوش» و «شاه‌غوش» پیش خدا آماده هست و از میان چند پرنده که نزدیک او هستند، یکی پیش او می‌آید و خوراکش می‌شود. به استناد همین باور و ضرب‌المثل، در مورد اشخاص خوش‌روزی می‌گویند: «رزق و روزی‌اش مثل جغد است». عده‌ای از ترکمنان جغد را با اسم «بایغوش» صدا نمی‌کنند، بلکه با عناوینی چون «بای‌انه» (مادر ثروتمند)، «بای‌خاتئن» (بانوی ثروتمند) و «شاه‌قوش» نام می‌برند.

بزرگسالان طایفه نُخُورلی می‌گویند: به جای کلمه بایغوش، باید از شاه‌غوش استفاده شود؛ چراکه اگر به این پرنده دانا، «بایغوش» بگویی، خوشش نمی‌آید و چنین نفرین می‌کند: «خون بالا بیاوری».

البته گاهی در یک منطقه و حتی یک خانواده، با دو باور کاملاً مختلف و متضاد در مورد جغد روبه‌رو هستیم. منصور قریشی می‌گوید: «در مورد جغد چیزی که واقعاً برای من عجیب بود. این بود که دو باور متفاوت در یک محل زندگی است. مادر بنده جغد را یک حیوان نحس و بدیمن می‌دانست. هر وقت جغدی بر بام خانه‌مان می‌نشست، سریع دست به کار می‌شد و با سنگ یا هر چیزی که دم دست بود، شروع به پراندن جغد می‌کرد؛ تا از شرش خلاص بشود. یا به ما دستور می‌داد که هرچه زودتر جغد را از آن جا دور کنیم. ما هم فوراً با پرتاب سنگ، جغد را مجبور می‌کردیم خانه‌مان را ترک کند و جای دیگر

برود. وقتی درباره علت آن سؤال می‌کردیم، مادرمان می‌گفت: «جغد بدیمن است و باعث فقر و کم شدن رزق و روزی می‌شود». خلاصه این پرنده در خرابه‌ها زندگی می‌کند و مورد احترام حداقل خانواده ما نیست. اما از سوی دیگر عمه‌های بنده که قاعدتاً با پدرم در یک خانواده بزرگ شده‌اند، باور متفاوت و کاملاً خلاف آن چه ذکر کردم، دارند. آن‌ها می‌گویند جغد بدیمن نیست و نباید مورد آزار قرار بگیرد. آنان وقتی جغدی را ببینند که بر بالای خانه نشسته باشد؛ آن را به فال نیک گرفته به جغد سلام می‌کنند و با گفتن «باغوش بایلیغینی پر» [ای جغد ثروت را به ما بده]، در چند مرحله این پرنده را مورد احترام قرار می‌دهند. و هرگونه آزار این پرنده را گناه می‌دانند.

ذکر این نکته لازم است که «ترکمن‌ها از کشتن برخی حیوانات (هم‌چون جغد و ...) می‌پرهیزند، زیرا براساس روایت‌های افسانه‌وار، بر این باورند که این حیوانات از انسان پدید آمده‌اند؛ چنان‌که قبلاً نیز ذکر شد که جغد در ابتدا پسری ثروتمند، یا یک زن، یا یک پیرزن و یا شاهزاده جوان بوده است. با تکیه بر همین باور، اگر کسی جغد را شکار کرده و بکشد، فقیر و بدبخت می‌گردد. در این ارتباط ترکمنان در ضرب‌المثلی می‌گویند: کسی که جغد را با تفنگ بزند، در زندگی روی خوشی و سعادت نمی‌بیند. علاوه بر باورهای مختلفی که در مورد خوش‌یمنی و بدیمنی جغد و رفتار او و یا خوش‌یمنی و بدیمنی چگونگی رفتار مردم با جغد، ذکر شد، باور دیگری در مورد صدای جغد وجود دارد و آن این است که اگر جغد به صورت پیوسته و مداوم سروصدا کند، نشانه برهم خوردن و انقلاب هوا است.

■ جیرجیرک

برخی از ترکمن‌ها صدای جیرجیرک را صدای روح شخص مرده می‌دانند؛ چنان‌که اگر در خانه‌ای کسی فوت کرده باشد و جیرجیرکی در حیاط آن خانه صدا دریاورد، می‌گویند روح آن مرحوم آمده است و فاتحه‌ای برای آن مرحوم می‌فرستند.

■ چکاوک

برخی از باورهای عامیانه، محصول تجربیات زیستی اقوام است. ترکمن‌ها نیز براساس تجربیاتی که در زندگی خود حاصل کرده‌اند، از برخی رفتارهای جانوران، به عنوان علائم هواشناسی و یا رویدادهای تقویمی بهره می‌برند؛ چنان‌که عمده ترکمنان بر این باورند که نه روز بعد از آمدن چکاوک، برف می‌بارد.

■ خرگوش

در سراسر دشت‌های شمال و شمال شرقی گلستان و شمال و شمال غربی خراسان و جنوب ترکمنستان و به عبارت دیگر در سراسر مناطق ترکمن‌نشین، انواع مختلف خرگوش وجود داشته و به همین واسطه، در مورد این جانور یا رفتار آن و هم‌چنین چگونگی رفتار انسان با این جانور نیز باورهایی وجود دارد. چنان‌که در ارتباط با شکار خرگوش می‌گویند: وقتی که خرگوش با دیدن شکارچی، چمباتمه بزند و

حرکت نکنند، نباید به طرف آن تیر انداخت، اگر چنین کنی تو بدبختی می‌آورد. هم چنین اگر در خواب خرگوش ببینی، دزد می‌آید. بنابر باوری دیگر، استخوان خرگوش از چشم زخم جلوگیری می‌کند. بنابر داستان‌های اساطیری و افسانه‌های کهن، همواره انسان راه و رسم زندگی را از حیوانات پیرامون خود آموخته است؛ چنان‌که آموزش شکار کردن، خانه ساختن، کشاورزی، تدفین و امثال آن، در طول تاریخ توسط جانوران صورت گرفته و انسان با عقل و درایت خود، این اعمال را به تکامل رسانده و توسعه داده است. بر همین مبنا، ترکمنان بر این باورند که اگر خرگوش آشیانه‌اش را با عمق زیاد کنده باشد، زمستان سردی پیش‌رو است. در واقع این اعتقاد وجود دارد، که خرگوش می‌تواند میزان سردی هوا در زمستان پیش‌رو را پیش‌بینی کند.

■ خرمگس

اگر خرمگس به خانه بیاید، نشانه آن است که میهمان می‌آید. در باوری دیگر، شبیه به این مورد، «اگر خرمگس به خانه بیاید و در خانه بچرخد و برود؛ یکی دو روز بعد میهمان می‌آید». به عبارت دیگر خرمگس در نزد ترکمنان نوعی پیک و پیغام‌رسان است که خبر آمدن میهمان را پیشاپیش برای صاحب‌خانه می‌آورد.

■ خروس

در میان تمامی اقوام، خروس به‌طور کل جانوری خوش‌یمن است. ترکمنان نگه داشتن خروس سفید را خیلی خوب دانسته و می‌گویند خروس سفید حکم فرشته را دارد و بلا را رفع می‌کند. عموماً در هر خانه‌ای که مرغ و خروس وجود دارد، تعداد خروس‌ها کمتر از مرغ‌ها بوده و برخی تنها یک خروس در خانه نگاه می‌دارند. در این رابطه، برخی از ترکمنان اعتقاد دارند که در اطراف یک خروس نباید بیش از پنج مرغ باشد و اگر چنین شود، می‌گویند گناه دارد. بنابراین به ازای هر پنج مرغ یک خروس در خانه نگاه می‌دارند و یا اگر تعداد مرغ‌ها از پنج عدد بیشتر شد، مرغ‌های اضافه را از خانه خارج کرده و یا مرغ‌های پیرتر را سر بریده و می‌خورند.

در شرایط طبیعی، خروس در زمان فرورفتن تاریکی و برآمدن خورشید آواز سر داده و خبر از فرارسیدن روز می‌دهد. بنابراین نزد تمامی اقوام، خروس به عنوان پیام‌رسان صبح و روشنائی شناخته می‌شود. در باورهای عامیانه ترکمنان و سایر مردم ایران، بانگ بی‌موقع خروس، یک نشانه قلمداد شده و غالباً بدشگون و بدیمن است؛ چنان‌که برخی از مردم ایران بر این باورند که: «اگر خروس شامگاهان بخواند، شگون ندارد و بابت آن باید صدقه داد». البته بنابر باوری دیگر، بانگ برآوردن بی‌موقع خروس، اگر رو به قبله باشد، مبارک است و گرنه بدشگون بوده و باید سر خروس را بُرید.

در میان ترکمنان نیز باورهایی در مورد بانگ بی‌موقع خروس وجود دارد؛ چنان‌که می‌گویند: اگر خروس بی‌موقع آواز سر دهد، شگون ندارد و باید سرش بریده و خورده شود. بنابر باوری دیگر، اگر خروس

بی‌موقع بخواند، یکی از افراد خانواده فوت می‌کند و یا اگر خروس بین عصر و مغرب آواز سر دهد، نشانه این است که می‌خواهد اتفاقی بیفتد. هم‌چنین ترکمنان می‌گویند: هرگاه یک خروس بی‌موقع و در وقت چاشت و نماز عصر بانگ برآورد، به آن خانه خبر بد می‌رسد.

علاوه بر موارد مذکور در سطور بالا، ترکمنان خروس را پیک و پیغام‌رسان دانسته و اعتقاد دارند که یکی از حالات آواز سردادن خروس، نشانه آمدن میهمان است. چنان‌که می‌گویند: اگر خروس به آستانه در بیاید و صدا کند، میهمان خواهد آمد. اگر خروس رو به خانه صاحب خود صدا در بیاورد و قوقولی قوقو کند، نشانه آمدن میهمان است. اگر خروس نزدیک خانه صدا کند، یا میهمان می‌آید یا یک خبر.

گروهی دیگر از ترکمن‌ها بر این باورند که اگر خروس بی‌موقع صدا کند، قانون تازه درمی‌آید.

علاوه بر باورهایی که در مورد آواز سردادن بی‌موقع خروس بیان شد، باورهایی در مورد خواص خروس برای بهبود بیماری وجود دارد، که احتمالاً این باورها از تجربیات زیستی قوم ترکمن نشأت گرفته‌اند. در این رابطه می‌گویند: کسی که گلویش درد می‌کند، اگر سوپ خروس بخورد، برای او بسیار مفید است و یا عده‌ای اعتقاد دارند که وقتی کسی بیمار و بی‌حال می‌شود، اگر قلب خروس را خام و نپخته ببلعد، حالش خوب می‌شود.

■ خفاش

خفاش‌ها انواع گوناگونی دارند، لکن آن‌چه که ترکمن‌ها در محیط زندگی خود، دیده‌اند، احتمالاً نوعی از خفاش بیابانی بوده باشد. در باور ترکمن‌ها خفّاش و هر آن‌چه به آن منسوب است، به‌طور کل نماد بدیمنی است. شاید یکی از دلایل بدیمنی خفّاش فعالیت آن در شب و شب‌دوستی آن باشد! ترکمنان باور دارند که اگر خفّاش از لای پای مرد رد شود، آن مرد عقیم می‌شود. در باوری دیگر، اگر ادرار خفّاش، در شب روی تن انسان پاشیده شود، آثار آن باعث بیماری پیسی می‌شود.

در ارتباط با باورهای مربوط به هواشناسی و رویدادهای تقویمی، این باور وجود دارد که اگر خفّاش در اواخر تابستان پرواز کند، زمستان زود فرا می‌رسد و در باوری شبیه به این «اگر خفّاش در یکم آگوست در شب پرواز کند، زمستان زود فرامی‌رسد».

■ خوک

خوک‌های وحشی یا گرازها انواع گوناگونی دارند و در سراسر نقاط دنیا پراکنده هستند. در مناطق ترکمن‌نشین نیز خوک‌ها بیشتر در باتلاق‌ها، حاشیه رودخانه‌ها و زمین‌های گلی زندگی و تردد می‌کنند. بیشتر باورهای مرتبط به خوک و گراز، مربوط به اثر خاص دندان خوک می‌باشد.

ترکمنان طایفه نُخُورلی برای دوری جستن از اثرات جادو، از دندان خوک بهره جسته و آن را به بازوی خود می‌بندند. هم‌چنین دفن کردن دندان خوک در زمین ورودی حیاط خانه، جادو را باطل می‌کند و اگر دندان خوک همراهت باشد، طلسم و نسخه دعای دیگران به تو اثر نمی‌کند، یا اگر از دندان خوک، گردنبنند

درست کنی و از گردنت آویزان کنی، سحر و جادو به تو اثر نمی‌کند و هم‌چنین همراه داشتنِ دندانِ خوک، سبب می‌شود که سحر و جادو و چشم‌زخم اثر نکند. اگر بدون آن که کسی متوجه شود، دندانِ خوک را [از بدنت] بیاویزی، سحر و جادو به تو اثر نمی‌کند.



آویزی از دندان خوک وحشی

■ دُرنا

نوعی پرنده بزرگ جثّه با پاها، گردن و بالِ دراز و نوک بلند، از خانواده کلنگان است. انواع دُرناها شامل سه سرده و چهار گونه هستند، که یکی از سرده‌های سه‌گانه دُرناها، دُرنا سیبری است. مسلماً ترکمنان در محیط زندگی خود دُرنا سیبری را دیده‌اند. دُرنا سیبری بدن یک‌دست سفید، صورت و پاها سرخ و منقار سیاه دارد. این نوع دُرنا جزو انواع دُرناهای مهاجر بوده و به سه دسته جمعیتی به نام‌های مرکزی، شرقی و غربی تقسیم می‌شوند. دسته دُرناهای سیبری غربی همان‌هایی هستند که در طول تاریخ تابستان‌ها را در سواحل رود اوب واقع در غرب سیبری گذرانده و برای گذران زمستان به شمال ایران مهاجرت می‌کرده‌اند. در حال حاضر (سال ۱۴۰۲ش) از جمعیت دُرناهای غربی تنها یک پرنده باقی مانده، که مسلماً منقرض خواهد شد.



دُرنا سیبری

در باور اقوام ترکمان، درناها موجوداتی مورد احترام و به طور کل خوش‌یمن هستند. ترکمانان باور دارند که اگر سرکرده درناها را با تیر بزنی، همراهانش سرگردان خواهند شد و فرد تیراندازی کننده، گناه عظیمی را مرتکب شده است.

ترکمانان از برخی رفتار درناها وضع هوا را پیش‌بینی کرده و از تغییر فصل خبردار می‌شوند. چنان‌که باور دارند هرگاه درناها سر و صدا کنان بگذرند، از بارش باران و یا آمدن بهار خبر می‌دهند و یا اگر درناها در فصل بهار، زودتر بیایند، بهار پربارش خواهد شد. هم‌چنین دو هفته بعد از مهاجرت درناها در پاییز، سرما فرامیرسد.

■ روباه

یکی از انواع مختلف روباه در دنیا، روباه «گرساک» یا «روباه ترکمنی» است که زیستگاه آن در دشت ترکمن می‌باشد. نزد اقوام ترکمان، روباه جزو نمادهای دووجهی بوده و باورهای متضادی در مورد آن وجود دارد؛ چنان‌که برخی از ترکمان‌ها عموماً روباه را موجودی خوش‌یمن دانسته و برخی دیگر به‌طور کل آن را بدیمن و شوم می‌دانند. در همین رابطه باورهای مختلفی در مورد مواجه شدن با روباه دربین راه، وجود دارد. گروهی معتقدند که اگر قصد رفتن به جایی کردی و یا داری به مسافرت میروی، از جلویت روباه دریابید، خوشیمن است. در باوری دیگر، اگر داری به جایی میروی و روباه از سمت راست آمد، خوشیمن است و اگر از سمت چپ آمد، بدیمن است. گروهی دیگر باور دارند که اگر در حین رفتن به جایی و یا اقدام به انجام کاری، یک روباه دیده شود، آن کار موفقیت‌آمیز نخواهد بود.



روباه ترکمنی

در روایتی دیگر از همین باور می‌گویند: اگر کسی که به شکار میرود و یا برای انجام کاری رهسپار است، جلوی او روباهی ظاهر شود، این اتفاق را بدیمن دانسته و از انجام آن کار منصرف میشوند و برمیگردند.

گروهی دیگر از ترکمانان، مانند سایر مردم ایران، روباه را نماد دزدی و غارتگری دانسته و بنابر همین نوع از نمادشناسی، باور دارند که هرگاه از جلوی مسافر روباه درآید، آن مسافر در مسیر خود با دزد و راهزن روبه‌رو خواهد شد.

علاوه بر باورهای مرتبط به روبه‌رو شدن با روباه، در طب سنتی قوم ترکمان نیز باوری در مورد اعضای بدن روباه وجود دارد؛ چنان‌که اعتقاد دارند، تکه‌ی کوچکی از شش روباه، در کنار نی‌زدن، آواز خواندن و شیر مادیان، یکی از داروهای درمان سرخجه (قزل‌جه) است.

ساکنان روستای حاجی‌قره در شمال شهر گرگان همراه داشتنِ دُمِ روباه را خوش‌یمن دانسته و اعتقاد دارند که انسان را از گرفتاری در خطرات رهایی می‌بخشد. هم‌چنین آنان باور دارند که به همراه داشتن دم روباه، آنان را از چشم دشمن مخفی نگاه می‌دارد. احتمالاً این باور ریشه در زیرکی روباه و دست‌نیافتنی بودن آن دارد.

در پایان نیز یادآوری این نکته لازم است که ترکمانان باور دارند که اگر روباه مرتب زوزه بکشد، حتماً شکمش درد گرفته و از درد ناله می‌کند.

■ زاغ و زاغچه

در میان ترکمانان یک باور اسطوره‌ای در مورد پیدایش زاغ وجود دارد و آن این است که یکی از پیران طریقت از دست دشمنان می‌گریزد و از یک درخت خواهش می‌کند که به او پناه بدهد. درخت سینه خود را می‌گشاید و پیر طریقت را در درون خود جای می‌دهد. شخصی که شاهد این اتفاق است، به دشمن خبر می‌دهد که آن پیر در کجا پناه گرفته است. آن موقع پیر رنجیده، زاغ را نفرین کرده و می‌گوید: «عمرت با قارقار کردن بگذرد و موقع زایمان، از دهان زایمان کنی». نفرین پیر طریقت قبول شده و آن شخص تبدیل به زاغ می‌شود. لکن نکته‌ای که در رابطه با این اسطوره وجود دارد، این است که زاغ‌ها از دهان زایمان نمی‌کنند، بلکه این قورباغه‌ها و وزغ‌ها هستند که از دهان زایمان می‌کنند. بنابراین ممکن است این اسطوره در مورد قورباغه و وزغ بوده و پیر، آن شخص خبرچین را به جای «قارقار کردن» به «قورقور کردن» و زایمان از دهان نفرین کرده و آن شخص تبدیل به وزغ یا قورباغه شده باشد. اما به مرور زمان این باور دستخوش تبدیل و تحریف شده و زاغ جایگزین وزغ شده باشد!

در بین اقوام ترکمان، زاغ و زاغچه و هر آن‌چه به آنان منسوب است، به‌طور کل شوم و بدیمن است، لکن برخی به دلیل دور کردن شومی و بدیمنی از خود، سعی می‌کنند رفتارهای زاغ و زاغچه را به نیکی و خوش‌یمنی تعبیر کنند، تا به این طریق اثرات شوم آن از آن‌ها دور شود. در نزد ترکمانان، آمدن زاغچه به اطراف خانه و خواندن آن، نشانه بدشگونی محسوب می‌شود. هم‌چنین اگر زاغ سر و صدای زیادی بکند، غوغا خواهد شد.

چنان‌که گفته شد، گاهی رفتار زاغ و زاغچه تعبیر به خوش‌یمنی می‌شود، تا از اثرات شوم آن کاسته شده و یا تأثیر منفی آن تبدیل به مثبت شود؛ چنان‌که برخی باور دارند اگر زاغ کوچک سر و صدا کند، نشانه این

است که به خانه میهمان می‌آید و یا اگر زاغی به خانه‌های بیاید و صدا کند به آن خانه میهمان خواهد آمد. برخی از ترکمنان مانند سایر ایرانیان، زاغ را نماد دزدی می‌دانند؛ چنان‌که بر این باورند که اگر زاغ بر روی بام خانه بنشیند، به آن خانه دزد می‌آید.

■ زنبور

اقوام ترکمن مانند بسیاری از مردم ایران و جهان، به واسطه شناخت تجربی که از انواع زنبور و خاصیت زندگی آنان دارند، همواره از این موجودات پرهیز می‌کنند. لکن اغلب آنان، کشتن زنبور یا خراب کردن کندوی آن را بد دانسته و از این کار خودداری می‌کنند، چنان‌که اگر یک دسته زنبور در گوشه‌ای از یک خانه لانه بسازد، سعی می‌کنند با آن کنار آمده و تا زمانی که خود آنان کندوی خود را ترک نکنند، با آن‌ها کاری ندارند. گروهی از ساکنان گمیش تپه باور دارند که وقتی زنبورها در خانه‌ای لانه می‌سازند، نباید آن‌ها را کشت و لانه آن‌ها را خراب کرد، بلکه تنها می‌توان با سوزانیدن و دود کردن کاه یا فضولات حیوانی، زنبورها را فراری داد. گروهی از ساکنان بناور (سیمین شهر) اعتقاد دارند که اگر زنبوری کشته شود، سایر زنبورها به صورت گروهی متحد شده و انتقام آن را خواهند گرفت. هم‌چنین اگر کسی لانه زنبوری را که در آن تخم و بچه زنبور است خراب کند، آن شخص هر جا که برود، زنبورها او را پیدا کرده و تا با نیش زدن او را از پای درنیاورند، او را رها نخواهند کرد.

ترکمن‌ها در ارتباط با تعبیر دیدن جانوران در خواب، باور دارند که اگر در خواب، زنبور و یا حشره گزنده‌ی دیگری، شخصی را بگزد، آن شخص باید منتظر گزند و حادثه‌ای تلخ باشد.

توضیح: به دلیل محدودیت فضای نشریه و به منظور جلوگیری از تطویل متن، پانویس‌ها و فهرست منابع حذف شده و در دفتر نشریه موجود می‌باشد.